

خشونت؛ عادت رفتاری جامعه افغانی

نسیم ابراهیمی



بار می آورد که با مواجه شدن با آنچه در ساختار فکری او هم سو نباشد، با مقاومت و خشونت با آن برخورد می کند. این گونه است که خشونت همیشه در ذهن ما تزریق می شود و با تسلسل هم چنان بر آن تاکید می کنیم و در نهایت این خشونت ها با نفرت ها عین می شود و نتیجه اش آن می شود که ما اکنون آن را تجربه می کنیم. خشونت و نفرت همیشه نفی دیگران است. در ذهنیتی که بر چارچوب خشونت شکل گرفته، همیشه نفی دیگران وجود دارد حتی اگر کسه به نابودی خود و دیگران نیز بیاتجامد. بهی جهت نیست که یک عضو پارلمان کشور از یک تریبون به صورت رسمی به هدف تحقق دیدگاه سیاسی خود حتما «انتخار» را راه رسیدن به آن می داند. این دیدگاه ریشه در باورها و ذهنیت های خشونت پذیر اکثر افراد جامعه یم دارد که برای رسیدن به هدف خود از آن استفاده می کنیم. این که اکنون در هر بخش زندگی ما از رفتار زندگی عسادی خانواده، محیط کار و مبارزات سیاسی ما نفی دیگران وجود دارد، ریشه در باورها و ذهنیت ما نسبت به خشونت دارد. بر اساس این باور، رسیدن همین رو است گروه طالبان در تازه ترین گفته های خود «جنگ» را بزرگترین افتخار بر جامعه خوانده است.

بخش به کار برده می شوند، می باشد. واژه های مرگ، درد، احق، لوده، سگ، خوک، پدر لعنت و... جزء زبان آموزی کودکان می باشند که از آن برای تحقیر، توهین نفی عملکرد جانب مقابل همراه با خشم استفاده می شود. کودکان با یادگیری این نخستین واژه ها از نخستین صنف اجتماعی خود قریه و محله شروع می شود تا سطح ولایت و گروههای مذهبی، قومی و سطح کشوری، در همه جا حضور پررنگ دارد. در جامعه ای خود، کمتر فردی را می توان یافت که از آن کودکی، خشونت را تجربه نکرده باشد/انگند و سپس آن را بر دیگران اعمال نکرده باشد/انگند. اکثر کودکان سه نه همه خشونت را از کوچکترین صنف های اجتماعی جامع می زیستی خود ارا می برند و دوباره بر همان صنف های اجتماعی و بزرگتر از آن اعمال می کنند. اگر دقت شود، اکثر کودکان، هنگام زبان آموزی در کنار واژه های ابتدایی پدر، مادر، آب و نان، نخستین چیزهایی را که می آموزند «فحش» و یا اسامی که از آن به هدف

ی بعدی تمرین خشونت برای کودکان می باشد. اما میزان تمرین خشونت در این صنف اجتماعی، گسترده تر از صنف اولی می باشد. در این حوزه، برای کودکان جامعه افغانی حد اقل در سه مرحله یادگیری و تمرین و تجربه خشونت وجود دارد. نخست، خود کودکان خشمها و فحشها و عامل خشونت را که در دو صنف اجتماعی دیگر با خود دارند، در این صنف جدید آن تمرین میکنند که به دلیل حضور تفاوتها و تعدد شخصیتها دامنی آن گستردهتر میشود. دوم اعمال خشونت بر کودکان در آموزشگاهها میباشد. با به جامعه بزرگسالاری، عملکردهای کودکان در مکتب و آموزشگاه نادرست، غیرعقلانی و غیراخلاقی پنداشته میشود و باید همیشه آنها با میل بزرگان یعنی معلمشان خود رفتار کنند در غیر آن با واکنش منفی و خشونتزای بزرگان مواجه میشوند که در نهایت به تنبیه بدنی کودک می انجامد. این اعمال خشونتبهصورت حتم در رفتار کودکان در بزرگسالی آنها تاثیر

باز می آید؛ چه عواملی باعث می شود که هر روز وضعیت امنیتی بدتر شود؟ چرا تلفات نیروهای امنیتی کشور نسبت به سالهای قبل رو به افزایش است؟ به نظر می رسد حکومت وحدت ملی در امر تأمین امنیت نیز همانند سایر بخش ها، از عدم انسجام و هماهنگی رنج می برد. در سال ۲۰۱۶ اختلافات و تنش های سیاسی جدی بین رئیس جمهور و رئیس اجرائیه بوجود آمد و این تنش ها بر بسیاری از برنامه های حکومت و وضعیت عمومی کشور سایه افکند. غیر واقع بیانه خواهد بود اگر بگویم این تنش ها بر وضعیت امنیتی کشور تاثیر نداشته است. بدون تردید یکی از عوامل افزایش نا امنی در سال ۲۰۱۶ را می توان تنش های سیاسی درون حکومتی دانست. بهبود امنیت کشور نیاز به انسجام و هماهنگی و وحدت نظر در درون حکومت راجع به مسایل امنیتی دارد. زمانی که تفاوت دیدگاه ها در رابطه به مسایل امنیتی کشور وجود داشته باشد، فرمان واحد برای اجرایی شدن در صفوف نیروهای امنیتی وجود نخواهد داشت و آنها دچار سردرگمی خواهند شد. چنانچه بارها نیروهای امنیتی کشور از این امر شکایت کرده اند و گفته اند که دستورهای لازم را به موقع آن دریافت نمی کنند و این کار بر عملکرد آنها در جبهه جنگ تاثیر می گذارد.

مشارکت اجتماعی و نقش آن در وفاق اجتماعی

محمد اسماعیل انصاری / منبع: مجله اجتماعی عرصه/ قسمت دوم و پایانی

این که دولت ها و سازمان های تثبیت شده محلی، بخشی از قدرت و اختیارآشان را به دیگران واگذار کنند، کمی مشکل به نظر می رسد. مشارکت به عنوان روند کسب قدرت ناگزیر ساختارهای بوروکراتیک موجود را به مبارزه می طلبد. بنابراین طبیعی است اگر این ساختارها به یکی از اصلی ترین موانع بر سر راه مشارکت (سیاسی) تبدیل شوند. در کشورهایی که چنان ستم، در مانع بزرگ در سر راه مشارکت مردم با حکومتها وجود دارد:

۱- از آنجایی که منابع انسانی بزرگترین سرمایه برای هر سازمانی باشد، لازم است در زمینه آموزش سرمایه گذاری شود. اعطای قدرت و اختیار به کارکنان که دانش و تخصص لازم برای حل مسایل و انجام تصمیم گیری های لازم را ندارند، هدایت کردن آنها به سوی انجام اشتباهات است. ۲- به وجود آوردن اهداف فردی و سازمانی کارکنان معمولاً از اهدافی حمایت می کنند که قادر به درک آن باشند، به منظور مشارکت داشتن کارکنان لازماست اهداف کوتاه مدت و بلند مدت سازمان به صورت ساده و قابل تعیین شود. اهمیت مشارکت در فرآیند نوسازی جامعه دانیل لرنر در مطالعه ای که در سال ۱۹۵۲ در مورد شش کشور خاور میانه داد، بین شهرنشینی سواد، میزان مشارکت و دسترسی به رسانه ها ارتباط نزدیکی یافت. سه متغیر میزان شهرنشینی، سواد و دسترسی به رسانه ها مشکل است با وجود این، اهمیت آن در جریان نوسازی جامعه اساسی است. به عقیده لرنر جامعه جدید مشارکتی است. فرآگرد نوسازی حرکت از جامعه سنتی به طرف جامعه مشارکت می باشد.

آنها تأثیر مثبت می گذارد، مشارکت بیشتری خواهند کرد. ۵- مشارکت مردم در امور عامل تحرک در کارایی مدیریت خواهد شد. در چه موقعی مشارکت به وفاق اجتماعی می انجامد؟ این که چه وقت مشارکت باید ترغیب شود و این که اثر همکاری و سازگاری آن کدامند، یافته های زی یادآوری می شوند: ۱- در موارد بسیاری، مجربان و مدیران اغلب از مفهوم مشارکت آگاه دارند و بر این باورند که ناموجه است. مثلا براساس اخیری از مدیران اجرایی بازارگانی نوسازی داد که اغلب آنان (۷۹ درصد) احساس می کنند که اعضای مدیریت سطح بالا بهتر از هر کس دیگر مسایل را می دانند و حق دارند آن گونه که صلاح می بینند به اتخاذ تصمیمات سازمانی بپردازند. ۲- مطالب قابل توجهی در اختیار است که نشان می دهد بزرگسالان از مشارکت در فرآیند تصمیم گیری لذت می برند. مردم مایلند در تصمیماتی که از نظر آنان حائز اهمیت است سهمی داشته باشند و این مشارکت اغلب تعهد نسبت به تصمیم گروهی و پذیرش آنان را افزایش می دهد. بدین سان، انگیزش و خشنودی می توانند به گونه ای مثبت تحت تأثیر قرار گیرند. ۳- تأثیر مثبت مشارکت محدودی دارد. تصمیمات باید از دیدگاه مشارکت کنندگان مهم و مربوط تلقی شوند. مساعدت های آنان باید به راستی مورد توجه قرار بگیرد. تصمیمات باید در زمینه هایی باشند که مشارکت کنندگان در آن تبحر دارند. اغلب مردم نمی خواهند در تصمیمی شرکت داشته باشند، به ویژه در تصمیماتی که برایشان اهمیتی ندارند یا در مورد آنها چیزی نمی دانند، لیکن اگر مساعدتی به عمل بیایند می خواهند مساعدت آنان جدی گرفته شود.

ب- انگیزش برای یاری دادن دومین اندیشه مهم در مشارکت آن است که مشارکت مردم را به یاری دادن بر می انگیزد. مردم از راه مشارکت فرصت آن را می یابند که قابلیت های ابتکار و آفرینندگی خود را برای دستیابی به هدف های سازمان به کار گیرند. مشارکت یک داد و ستد اجتماعی دو سویه میان مردم است و نه روش تحمیل اندیشه ها از سوی پایین دست ها به بالا دست. ارزش و سودمندی بزرگ مشارکت آن است که آفرینندگی همه کارکنان را به کار می گیرد. مشارکت از راه یاری دادن به کارکنان برای پی بردن و روشن کردن راههای دست یابی به هدف ها به ویژه انگیزش را بهبود می بخشد. ج- پذیرش مسؤلیت سومین اندیشه در مشارکت آن است که مشارکت مردم را بر می انگیزد تا در کوشش های گروه خود مسؤلیت بپذیرند. این فرآگرد اجتماعی است که به یاری آن مردم ب- مرحله خود-درگیر در سازمان می رسند و خواهان کامیابی سازمان خود می باشند. در حالی که افراد برای کوشش های گروهی به پذیرش مسؤلیت رو می آورند و در می یابند که آن چه از خود می خواهند انجام می دهند یعنی آنکه کاری را به پایان می رسانند که خود را برای آن مسؤل می شمارند. مشارکت عامه مردم در پیشرفت کشور این کار اساسا یک راه ایجاد تحرک در مردم است. به نحوی که تا حد امکان آنان را در کوشش در راستای پیشرفت سهیم نمود. مشارکت دادن افراد در منافع و جهت وفق دادن و تطبیق بیشتر مردم با سازمان ها است. سهیم ساختن مردم در امور اجتماعی، اقتصادی، فرهنگی، سیاسی و... در واقع کمک به وفاق اجتماعی و تطبیق مردم و دستگسی به کشور است. اهداف معنوی (اخلاقی) مشارکت در بافت معنوی یا اخلاقی، منظور از لوح مسأله مشارکت در تصمیم گیری آن است که پیشسرفت فردی و کوشش فرد بر طبق مفهومی از حقوق بشر و شان و مقامی که برای آن قائل شده است رواج داده شود.

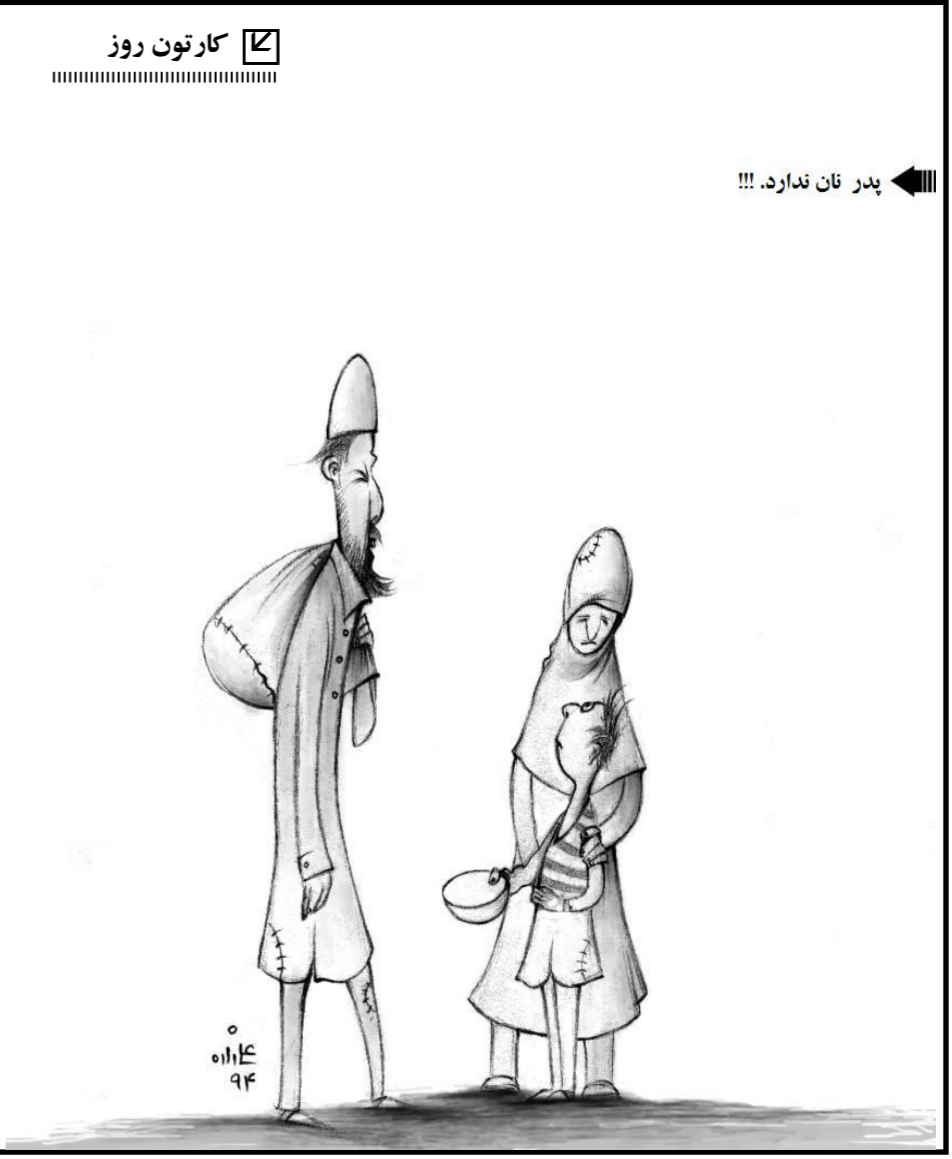
در اعلامیه ۱۹۴۸ حقوق بشر آمده است: تمام افراد بشر آزاد به دنیا آمده اند و از لحاظ شأن و مقام و حقوق خود با هم مساویند. افراد بشر از موهبت عقل و وجدان برخوردارند و شایسته است که نسبت به همدیگر با روح برادری برخورد نمایند. هر کس به عنوان عضوی از جامعه مستحق کسب حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی که لازمه شان و مقام و رشد شخصیت آدمی است، می باشد. اهداف سیاسی، اجتماعی مشارکت و نقش آن در وفاق اجتماعی در زمان انتخابات شرکت کنندگان در برنامه های رادیو و تلویزیون بر اهمیت رای هر شهروند در اداره امور عمومی تأکید می ورزند، اما باید خاطر نشان ساخت که دموکراسی سیاسی با غیبت دموکراسی اقتصادی ناسازگار است. یک شهروند را نمی توان فردی را رشد کافی برای دموکراسی سیاسی قلمداد کرد و در عین حال حقوق دموکراتیک وی را در زندگی اقتصادی او انکار کرد. اهداف اقتصادی مشارکت مردم از طریق مشارکت در تصمیمات، بهتر می توانند از دانش، تجربه، فراست و بصیرت آنها یکی که کار را عرضه می کنند، با توجه به بهبود روش ها در جهت بهبود و گسترش روابط کار در سازمان ها و جامعه مفید فایده باشند، زیرا: ۱- امکان کمک به کار و استفاده بهتر از منابع را فراهم می آورد. ۲- نظرات و اندیشه های مختلف مورد بحث و نقد قرار می گیرد. ۳- مردم تصمیماتی را که خود در اتخاذ شرکت داشته باشند بهتر می پذیرند. ۴- مردم در اتخاذ تصمیماتی که در وضعیت

از آنجایی که منابع انسانی بزرگترین سرمایه برای هر سازمانی باشد، لازم است در زمینه آموزش سرمایه گذاری شود. اعطای قدرت و اختیار به کارکنان که دانش و تخصص لازم برای حل مسایل و انجام تصمیم گیری های لازم را ندارند، هدایت کردن آنها به سوی انجام اشتباهات است. ۲- به وجود آوردن اهداف فردی و سازمانی کارکنان معمولاً از اهدافی حمایت می کنند که قادر به درک آن باشند، به منظور مشارکت داشتن کارکنان لازماست اهداف کوتاه مدت و بلند مدت سازمان به صورت ساده و قابل تعیین شود. اهمیت مشارکت در فرآیند نوسازی جامعه دانیل لرنر در مطالعه ای که در سال ۱۹۵۲ در مورد شش کشور خاور میانه داد، بین شهرنشینی سواد، میزان مشارکت و دسترسی به رسانه ها ارتباط نزدیکی یافت. سه متغیر میزان شهرنشینی، سواد و دسترسی به رسانه ها مشکل است با وجود این، اهمیت آن در جریان نوسازی جامعه اساسی است. به عقیده لرنر جامعه جدید مشارکتی است. فرآگرد نوسازی حرکت از جامعه سنتی به طرف جامعه مشارکت می باشد. مصادیق مختلف مشارکت الف- مشارکت در زمینه سیاسی به صورت شرکت در انتخابات. ب- مشارکت در زمینه اقتصادی به صورت فعالیت در بازار و افزایش درآمد ج- مشارکت در زمینه اجتماعی به صورت مشارکت در زمینه روانی به صورت همدلی و تحرک روانی جلوه می کند. عناصر (ارگان) اساسی مشارکت بر طبق گزارش تحقیق مؤسسه تحقیقات اجتماعی سازمان ملل، مشارکت در بردارنده سه عنصر اصلی است. - سهیم شدن در قدرت ۲- کوشش های سنجیده گروه های اجتماعی برای در دست گرفتن سرنوشت و بهبود اوضاع زندگی ۳- ایجاد فرصت هایی برای گروه های فردست عناصر تقویت کننده مشارکت (وفاق اجتماعی) یکی از عوامل مهمی که با مشارکت همبستگی زیادی دارد، نظام آموزشی و امر تعلیم و تربیت می باشد؛ زیرا این نهاد دارای کارکردهایی همچون ایجاد و افزایش حس وظیفه شهروندی، شیفتگی، علاقه و فرهنگ تعلیم و همیاری در جامعه است. تا زمانی که نتوان مردم را به این باور و یقین رساند که با مشارکت، تعاون و همیاری، می توان به جامعه ای مرفه تر و سعادتمند دست یافت و تا زمانی که نتوان فرهنگ خود محوری و خودپسندی را در جامعه از میان برداشت، تأمین مشارکت مردم امکان پذیر نخواهد بود.

در مرحله خود-درگیر در سازمان می رسند و خواهان کامیابی سازمان خود می باشند. در حالی که افراد برای کوشش های گروهی به پذیرش مسؤلیت رو می آورند و در می یابند که آن چه از خود می خواهند انجام می دهند یعنی آنکه کاری را به پایان می رسانند که خود را برای آن مسؤل می شمارند. مشارکت عامه مردم در پیشرفت کشور این کار اساسا یک راه ایجاد تحرک در مردم است. به نحوی که تا حد امکان آنان را در کوشش در راستای پیشرفت سهیم نمود. مشارکت دادن افراد در منافع و جهت وفق دادن و تطبیق بیشتر مردم با سازمان ها است. سهیم ساختن مردم در امور اجتماعی، اقتصادی، فرهنگی، سیاسی و... در واقع کمک به وفاق اجتماعی و تطبیق مردم و دستگسی به کشور است. اهداف معنوی (اخلاقی) مشارکت در بافت معنوی یا اخلاقی، منظور از لوح مسأله مشارکت در تصمیم گیری آن است که پیشسرفت فردی و کوشش فرد بر طبق مفهومی از حقوق بشر و شان و مقامی که برای آن قائل شده است رواج داده شود.

تمام افراد بشر آزاد به دنیا آمده اند و از لحاظ شأن و مقام و حقوق خود با هم مساویند. افراد بشر از موهبت عقل و وجدان برخوردارند و شایسته است که نسبت به همدیگر با روح برادری برخورد نمایند. هر کس به عنوان عضوی از جامعه مستحق کسب حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی که لازمه شان و مقام و رشد شخصیت آدمی است، می باشد. اهداف سیاسی، اجتماعی مشارکت و نقش آن در وفاق اجتماعی در زمان انتخابات شرکت کنندگان در برنامه های رادیو و تلویزیون بر اهمیت رای هر شهروند در اداره امور عمومی تأکید می ورزند، اما باید خاطر نشان ساخت که دموکراسی سیاسی با غیبت دموکراسی اقتصادی ناسازگار است. یک شهروند را نمی توان فردی را رشد کافی برای دموکراسی سیاسی قلمداد کرد و در عین حال حقوق دموکراتیک وی را در زندگی اقتصادی او انکار کرد. اهداف اقتصادی مشارکت مردم از طریق مشارکت در تصمیمات، بهتر می توانند از دانش، تجربه، فراست و بصیرت آنها یکی که کار را عرضه می کنند، با توجه به بهبود روش ها در جهت بهبود و گسترش روابط کار در سازمان ها و جامعه مفید فایده باشند، زیرا: ۱- امکان کمک به کار و استفاده بهتر از منابع را فراهم می آورد. ۲- نظرات و اندیشه های مختلف مورد بحث و نقد قرار می گیرد. ۳- مردم تصمیماتی را که خود در اتخاذ شرکت داشته باشند بهتر می پذیرند. ۴- مردم در اتخاذ تصمیماتی که در وضعیت

از آنجایی که منابع انسانی بزرگترین سرمایه برای هر سازمانی باشد، لازم است در زمینه آموزش سرمایه گذاری شود. اعطای قدرت و اختیار به کارکنان که دانش و تخصص لازم برای حل مسایل و انجام تصمیم گیری های لازم را ندارند، هدایت کردن آنها به سوی انجام اشتباهات است. ۲- به وجود آوردن اهداف فردی و سازمانی کارکنان معمولاً از اهدافی حمایت می کنند که قادر به درک آن باشند، به منظور مشارکت داشتن کارکنان لازماست اهداف کوتاه مدت و بلند مدت سازمان به صورت ساده و قابل تعیین شود. اهمیت مشارکت در فرآیند نوسازی جامعه دانیل لرنر در مطالعه ای که در سال ۱۹۵۲ در مورد شش کشور خاور میانه داد، بین شهرنشینی سواد، میزان مشارکت و دسترسی به رسانه ها ارتباط نزدیکی یافت. سه متغیر میزان شهرنشینی، سواد و دسترسی به رسانه ها مشکل است با وجود این، اهمیت آن در جریان نوسازی جامعه اساسی است. به عقیده لرنر جامعه جدید مشارکتی است. فرآگرد نوسازی حرکت از جامعه سنتی به طرف جامعه مشارکت می باشد. مصادیق مختلف مشارکت الف- مشارکت در زمینه سیاسی به صورت شرکت در انتخابات. ب- مشارکت در زمینه اقتصادی به صورت فعالیت در بازار و افزایش درآمد ج- مشارکت در زمینه اجتماعی به صورت مشارکت در زمینه روانی به صورت همدلی و تحرک روانی جلوه می کند. عناصر (ارگان) اساسی مشارکت بر طبق گزارش تحقیق مؤسسه تحقیقات اجتماعی سازمان ملل، مشارکت در بردارنده سه عنصر اصلی است. - سهیم شدن در قدرت ۲- کوشش های سنجیده گروه های اجتماعی برای در دست گرفتن سرنوشت و بهبود اوضاع زندگی ۳- ایجاد فرصت هایی برای گروه های فردست عناصر تقویت کننده مشارکت (وفاق اجتماعی) یکی از عوامل مهمی که با مشارکت همبستگی زیادی دارد، نظام آموزشی و امر تعلیم و تربیت می باشد؛ زیرا این نهاد دارای کارکردهایی همچون ایجاد و افزایش حس وظیفه شهروندی، شیفتگی، علاقه و فرهنگ تعلیم و همیاری در جامعه است. تا زمانی که نتوان مردم را به این باور و یقین رساند که با مشارکت، تعاون و همیاری، می توان به جامعه ای مرفه تر و سعادتمند دست یافت و تا زمانی که نتوان فرهنگ خود محوری و خودپسندی را در جامعه از میان برداشت، تأمین مشارکت مردم امکان پذیر نخواهد بود.



بنیان گذار: دکتر حسین یاسا
مدیر مسوول: محمد رضا هویدا
سردبیر: حفیظ الله زکی
کاریکاتورست: خالق علی زاده

دو زبان: علی اصغر زاهدی، مصطفی جعفری
مسوول وب سایت: غلام عباس اصلان
آدرس: کابل، شهرک امید سبز، فاز چهار، کوچه ششم، خانه نمبر ۱۳۷-۱۳۷

روزنامه افغانستان ما از همه دانشمندان و نویسندگان دعوت به همکاری می نماید.
هیئت تحریر در ویرایش مطالب دست باز دارد.
مقالات وارده بازگردانده نمی شود.
مسئولیت مقالات به عهده نویسندگان آنها است و تنها سر مقاله یانگر دیدگاه روزنامه افغانستان میباشد.

The Daily Afghanistan Ma
Outlook
AFGHANISTAN
The Leading Independent Newspaper